

# هایدگر و امر سیاسی

تقدیم به جان سالیس  
م. د بیستگی

- 
- Beistegui, Miguel de** سرشناسه: بیستگی، میگل د، ۱۹۶۶ - م.  
عنوان و نام پدیدآور: هایدگر و امر سیاسی / میگل د بیستگی؛ ترجمه سیاوش جمادی.  
وضعیت ویراست: [ویراست ۲]  
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۸۹.  
مشخصات ظاهری: ۳۶۰ ص.  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۱-۸۹۹-۰  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا  
یادداشت: عنوان اصلی: Heidegger & the Political: Dystopias. c 1998  
موضوع: هایدگر، مارتین، ۱۹۷۶-۱۸۸۹ م. - نظریه‌های سیاسی و اجتماعی  
موضوع: نازیسم  
شناسه افزوده: جمادی، سیاوش، ۱۳۳۰ - ، مترجم.  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹ ب۹ ۱۳۲۷۹/۵۲۹  
رده‌بندی دیویی: ۳۲۰/۰۹۲  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۰۶۶۱۶۷
-

# هایدگر و امر سیاسی

میگل د بیستگی

ترجمه سیاوش جمادی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

**Heidegger & the Political  
Dystopias**

Miguel de Beistegui

Routledge, London and New York



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

\* \* \*

میگل د بیستگی

هایدگر و امر سیاسی

ترجمه سیاوش جمادی

چاپ دوم

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۴

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۱-۸۹۹-۰

ISBN: 978-964-311-899-0

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

Printed in Iran

۱۸۰۰۰ تومان

## فهرست

- پیشگفتار مترجم..... ۷
- سیاسگزاری..... ۱۷
- فهرست کوتاه‌نوشت‌ها..... ۱۹
- پیشگفتار نویسنده..... ۲۵
- درآمد..... ۳۳
۱. در مرز سیاست..... ۴۷
۲. سیاست باستانی..... ۹۷
- پرسشی دیرینه..... ۱۰۳
۳. بعد از سیاست..... ۱۵۷
- نیست‌انگاری‌ها..... ۱۶۵
- ذات نیست‌انگاری..... ۱۸۲
- غلبه بر نیست‌انگاری؟..... ۱۹۱
۴. کاربرد آزاد امر ملی..... ۲۰۳
۵. قبل از سیاست..... ۲۵۳

|          |                             |
|----------|-----------------------------|
| ۳۱۵..... | ۶. و خیره در خاموشی... ..   |
| ۳۳۹..... | سه پرسش به عنوان نتیجه..... |
| ۳۴۹..... | کتابنامه.....               |
| ۳۵۷..... | نمایه.....                  |

## پیشگفتار مترجم

در این ویراست ترجمه هایدگر و امر سیاسی مقدمه مترجم بر چاپ اول به دو دلیل حذف شده است. دلیل اول آن که در فاصله زمانی این دو چاپ، مترجم در حد و سع خود سه کتاب مهم هایدگر را که به ترتیب می‌توانند تفکر هایدگر جوان، گذار هایدگر به تفکر متأخرش یا تفکر بعد از «گشت» او و بالاخره واپسین مرحله فکری هایدگر را از زبان خود وی معرفی کنند به فارسی ترجمه کرده است: هستی و زمان، متافیزیک چیست؟ و چه باشد آنچه خوانندش تفکر؟ افزون بر این‌ها، در کتاب تألیفی زمینه و زمانه پدیدارشناسی مترجم کوشیده است پیدایش و بالش جنبش پدیدارشناسی آلمان را هم به لحاظ مضامین درون‌متنی و هم از حیث اوضاع و احوال تاریخی و زندگینامه‌ای در حد توان خود و به زبانی که بومی‌تر و آزادانه‌تر از زبان ترجمه است پی‌گیری و عرضه کند و در معرض نقد و داوری اهل نظر قرار دهد. در زمینه و زمانه فراز و فرود ماجرای سیاسی هایدگر در فصل طولانی «از نازیسم تا وارستگی» در بوته کاوشی نقادانه نهاده شده است. با این تفصیل، اکنون بخش‌های زیادی از مقدمه چاپ اول که، مثلاً، ناظر به شرح برخی از مضامین هستی و زمان بود، زاید می‌نمایند اگر اساساً اصل مطلب فی‌نفسه ضروری بوده باشد.

دلیل دیگر حذف مقدمه چاپ اول نارسایی‌هایی در طرح و شرح ماجرای سیاسی هایدگر در آن است. پیداست که پس از گذشت چند سال هم

تحقیقات و ترجمه‌هایی که به دست نگارنده انجام شده و هم‌امعان نظر در ترجمه‌ها و تألیف‌های ارزنده‌ای که دیگر دوستان انجام داده‌اند و هم مطالعات و تأملات شخصی و شاید عواملی دیگر باعث تغییراتی در نگرش او چه به لحاظ روش طرح و چه از حیث اصل مطلب شده است.

پیوند احتمالی فلسفه هایدگر با امر سیاسی و کنش سیاسی او در سال ۱۹۳۳ به تحقیقی جداگانه و مستقل نیازمند است که مطلب را به دور از جنجال و تأثرات شخصی پی‌گیری کند. موضع‌گیری سیاسی هایدگر در سال ۱۹۳۳ به هیچ وجه نه قابل دفاع است نه قابل تطهیر. لیکن در پی‌گیری این ماجرا از عدالت عدول نباید کرد. تفتیش زندگی سپری شده هایدگر به دست کسانی چون هوگوآت<sup>۱</sup>، ویکتور فاریاس<sup>۲</sup>، الکساندر شوان<sup>۳</sup>، کارل لوویت<sup>۴</sup>، امانوئل فای<sup>۵</sup> و دیگران هر قدر نیز که به مدارک و مستندات تردیدناپذیر متکی باشد، متون فلسفی فیلسوف را نابوده و نابوشته نمی‌تواند کرد. به‌ویژه برای ما که در باره حوادث رخ داده در زمینه و زمانه‌ای دیگر دورادور گزارش‌هایی می‌خوانیم درگیری متفکرانه و بعضاً نقادانه با تفکر مکتوب شده در متون هایدگر برای فهم فکر سیاسی او و پیوند احتمالی آن با قضیه سیاسی معروفش اساسی‌تر است، و اساساً نیز فکر هایدگر است که در جهان تفکر فراخواننده ما به جستجوی امر سیاسی نهفته‌اش می‌گردد. به بیانی شاید روشن‌تر می‌توان گفت که اعلام فهرستی از اقدامات اداری هایدگر در هم‌نوایی با رژیم ضد بشری و تمامت‌خواه دست سودن بر قشر ماجراجویی است که البته پیشاپیش به لحاظ اخلاقی محکوم شده است و به حکم محکمه نازی‌زدایی متفقین مجازات ممنوعیت از تدریس را در پی داشته است. هایدگر در نخستین درسگفتارهای دانشگاهی‌اش پس از رفع ممنوعیت تدریس او، که بعدها با افزوده‌هایی منتشر می‌شود، به مسئله امکان صلح

1. Huggo Ott

2. Victor Farias

3. Alexander Schwann

4. Karl Löwith

5. Emmanuel Faye



واقعی - صلحی که بمب اتم آن را حفظ نکند و آتش بس نباشد - اشاراتی تأمل‌انگیز دارد. عنوان کتاب یعنی *Was heisst Denken?* [چه باشد آنچه خوانندش تفکر؟] و حتی عمده مضامین آن شاید درونمایه سیاسی کتاب را از چشم ما نپوشاند. غوغایی که بعداً - تقریباً از دهه شصت به بعد و به ویژه پس از مرگ هایدگر در سال ۱۹۷۶ - علیه سکوت هایدگر در باره هولوکاست اوج می‌گیرد، چنان‌که در نامه شاگرد قدیمی هایدگر، هربرت مارکوزه، در فصل ۶ کتاب پیش رو می‌خوانیم، برانگیخته چشمداشتی عمومی و شایع است: محکوم کردن رسمی، صریح و علنی هولوکاست. هایدگر از محکوم کردن امر محکوم شده امتناع دارد. او در تمام عمرش از سخن گفتن به زبان ژورنالیستی که غالباً به سرعت و وسعت شیوع پیدا می‌کند می‌پرهیخت. شیاع همگنان<sup>۱</sup> یا علن آدم یا علن شایع مطابق بند ۲۹ هستی و زمان نوع هستی همگنان<sup>۲</sup> (یا آدم) است. آیا محکوم کردن امر محکوم شده به چشم هایدگر تکرار طوطی‌صفتانه حکمی شایع به زبان شایع بود؟ آیا این‌گونه محکوم کردن و اظهار نفرت، که هر نویسنده‌ای خود را موظف به ادای سهمی در آن می‌دید، عمل و نظر خود فیلسوف بزرگ را نیز، که آن همه از سخن گفتن به زبان متافیزیکی عصر حاضر ابا داشت، در معرض محکومیت قرار می‌داد؟ حدس‌ها و پاسخ‌ها در باره چرایی این سکوت هرگز به قطعیت اسناد اداری پرونده دوران یازده ماهه‌ای که هایدگر در سال ۱۹۳۳ رئیس دانشگاه بود نبوده‌اند. این سکوت بیش از آن اسناد به نزد پژوهشگران و فیلسوفان مهم تلقی شده است. در این جاست که تفکر هایدگر و متون و کارهای فلسفی او ما را به جستجوی پاسخی برای این مسئله برمی‌انگیزد، و ناگهان در درسگفتارهای یادشده صدایی متفاوت به گوشمان می‌رسد. این صدا البته در تمامی درسگفتارها طنین‌انداز است:

شاید تفکر نیز تنها چیزی چون ساختن صندوقی باشد. تفکر به هر حال نوعی کار - دستی است. تفکر به دست مرجوعیتی خاص دارد... منتها ذات دست را هرگز نمی‌توان همچون تن‌افزار تن ما تعیین کرد، یا از طریق این‌گونه تن‌افزار بودن توضیح داد. برای مثال، میمون عضوگیرنده دارد، اما دست ندارد... تنها آن موجودی که سخن می‌گوید یا، به دیگر سخن، تنها آن موجودی که می‌اندیشد می‌تواند دست داشته باشد.<sup>۱</sup>

پیوند تفکر با دست‌ورزی لاجرم این دریافت را در پی دارد که تفکر عمل است هرچند عمل به معنایی خاص. دست خیلی کارها می‌کند که هایدگر برخی از آن‌ها را برمی‌شمرد.<sup>۲</sup> بی‌هیچ مانعی می‌توان کشتن و جنگیدن و ویران کردن را نیز به فهرست هایدگر افزود. «اما حرکات و سکنت دست آدمی همه‌جا در زبان رسوخ دارند و در حقیقت در آن گاهی به سارترین صورت خود در می‌آیند که انسان در حین سکوت سخن می‌گوید.»<sup>۳</sup> بعدتر هایدگر با الهام از سروده «مینموزینه» هولدرلین به متفکرانه‌ترین کار دست اشاره می‌کند: اشاره به آن اندیشیدنی‌ترین امری که ما را به سوی خود فرامی‌خواند و هنوز به زبان گفتار ما درنیامده و ترجمه نشده است.<sup>۴</sup> سخن گفتن در حین سکوت جز این اشاره نمی‌تواند بود، اشاره به آنچه هایدگر بدو نامش را دیگر هستی نمی‌نهد. فکر مکتوب شده هایدگر به دنبال آن اندیشیدنی‌ترین امر آغاز راه می‌کند. در طی این طریق معلوم‌مان می‌شود که کین و جنگ و خشونت همزاد متافیزیکی است که از یونان باستان تا این زمان موضوع اندیشه را همچون برابرایستا فراپیش سوژه نهاده است. در جایی تلویحاً به پیامدهای جنگ جهانی دوم اشاره می‌شود<sup>۵</sup> و در جایی دیگر هایدگر به نحوی نامنتظر پیش از شروع درسگفتار از دانشجویان درخواست می‌کند که به دیدن نمایشگاهی در باره اسرای جنگی بروند:

۱. مارتین هایدگر، چه باشد آنچه خواندش تفکر؟، ترجمه سیاوش جمادی (تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۸)، ص ۹۶. ۲. همان، صص ۹۶-۹۷. ۳. همان، ص ۹۷. ۴. همان، ص ۹۹. ۵. همان، ص ۱۷۶.

خانم‌ها و آقایان... از شما تقاضا می‌کنم که به آن‌جا بروید تا این صدای خاموش را بشنوید و گوش درون هرگز آن را از یاد نبرد. تفکر تذکر است، اما تذکر غیر از احضار زودگذر امر رفته است... ما هنوز در آن جایگاه درخوری نیستیم که در باب آزادی، اندیشه یا حتی صرفاً صحبت کنیم مادام که در مواجهه با این انهدام آزادی دیده فرو می‌بندیم.<sup>۱</sup>

درسگفتارهایی که با مشارکت آموزگار و شاگردان راه دستیافت به معنای تفکر را طی می‌کنند منزل به منزل مسیر اشاره به اندیشیدنی‌ترین امر را درمی‌سپرنند. این اندیشیدنی‌ترین امر همانی است که هنوز به گفتار درنیامده است و آن اشاره همان سخن گفتن در سکوت است و در عین حال ساراترین کار دست است؛ دست آن چیزی است که از آن روح و لوگوس انسانی است. دست می‌تواند حمل کند، نگه دارد، ترسیم و نشانه‌گذاری کند، دست می‌تواند به نشانه محبت به سوی دیگری دراز شود یا، برعکس، دست‌درازی کند، زور توزد و بمب اتمی بسازد. در درسگفتارهای یادشده کین و تکنیک و ویرانگری همدست می‌گردند. هایدگر به شیوه خود از شر سخن می‌گوید بی آن‌که این کلمه را به کار برد. در این جا هستی ماجرای اصلی نیست. چیزی هست که در این درسگفتارها به بیان درنیامده است، لیکن در عین غیاب حضوری حاضرتر از به بیان آمده‌ها دارد: دست چگونه می‌تواند ویران نکند، در حالی که به گفته نیچه «بیابان بالیدن گرفته است».<sup>۲</sup> باید مسیر اشاره به سوی اندیشیدنی‌ترین امر را پی گرفت. رستن از کین – به تعبیر نیچه – دلیل راه باید گردد. دست به آنی اشاره می‌کند که انسان مدرن با آن بیگانه و از آن دور است. تنها از این راه شر را محکوم می‌توان کرد. گفتار معترضه هایدگر که نقل کردیم بدواً شگفت‌انگیز و نامربوط می‌نماید. درس‌ها با نظم و ترتیب

۱. همان، ص ۳۱۱.

2. Nietzsche. *Also sprach Zarathustra* (Stuttgart: Reclam, 1980), s. 293.

پیش می‌روند و ناگهان در حاشیه، فراخوانی به یاد فاجعه یا انهدام آزادی؟!<sup>۱</sup> پیداست که هایدگر سکوت نکرده است و در عین حال به شیوه شایع به رسم اعلام محکومیت فاجعه تن نداده است. داوری در حسن یا قبح این‌گونه سخن گفتن آسان نیست. نمی‌توانیم نقش فرشته عدالت را بازی کنیم. از نگاه هایدگر هنوز موسم درک این «انهدام آزادی» فرا نرسیده است. هنوز «ما» در جایگاهی درخور برای اندیشیدن یا حتی صرفاً صحبت کردن در باب آزادی نیستیم. جایگاه این «ما» باید مکانی گسترده‌تر از کلاس درس باشد. خانم‌ها و آقایانی که در بیستم ژانویه ۱۹۵۲ ناگهان در حاشیه روی استاد صدایی متفاوت می‌شنوند، یگانه مخاطبان این صدا نیستند. این حاشیه از متن تکان‌دهنده‌تر است. چیزی که گوش درون از یاد نباید برد صدایی خاموش، ندایی بی‌صدا و بی‌تردید همان «ساراترین کار دست»، همان اشاره به اندیشیدنی‌ترین امر که «هنوز به گفتار در نیامده است» و همان «سخن گفتن در سکوت» است. این حاشیه متن را افشا می‌کند. این متن نه آن حکمت نظری ناب و بیرون از سیاست بل متنی است همه‌سر سیاسی. هایدگر به شیوه خود سکوت در برابر Vernichtung der Freiheit (انهدام آزادی) را شکسته است، اما در ضمن به شیوه سلبی و کژتاب سخن گفته است. به شیوه سراسر است‌تر می‌توان گفت: در احضار زودگذر فاجعه فکر و ذکر نیست. دیده فرو بستن (Blick verschliessen) ما در مواجهه با فاجعه انهدام آزادی موجب شده است که هنوز «ما» در جایگاه درخور و مناسب برای بازاندیشیدن و حتی سخن گفتن در باره فاجعه نباشیم. منع سخن گفتن جز سکوت معنایی ندارد. این «ما» آیا همان «ما»یی نیست که همسخن با هربرت مارکوزه از استاد قدیم خود می‌خواهد تا یک کلمه در باره Shoah (مصیبت عظمی) و رژیم اظهار نظر کند که «وحشت را قاعده خود ساخت و هر آنچه

---

1. Vernichtung der Freiheit

به روح، آزادی و حقیقت مربوط بود به متضاد خونبارش مبدل کرد». مارکوزه از هایدگر چشم دارد که خطاهای خود را بی‌پرده اعلام کند.

من خود – و افراد بسیار زیاد دیگری – به شما در مقام فیلسوف احترام می‌گذاریم و بی‌اندازه از شما آموخته‌ایم. اما نمی‌توانیم میان هایدگر فیلسوف و هایدگر انسان فرق بگذاریم؛ این حتی با فلسفه خود شما ناسازگار است. فیلسوف ممکن است به لحاظ سیاسی خطا کند اما او بعداً باید خطاهای خود را بی‌پرده اعلام کند.<sup>۱</sup>

1. Victor Farias, *Heidegger and Nazism*, p. 283.

در منبع فوق از ص ۲۸۳ تا ص ۲۸۷ می‌توانید مکاتبات هایدگر و مارکوزه را مطالعه کنید. در کتاب پیش رو نیز در فصل ۶ می‌توانید یکی از پاسخ‌های هایدگر را بخوانید. هوگو آت نیز که مسئله سیاسی هایدگر را امری روان‌شناختی و مربوط به سرشت شخصی می‌داند بخشی از مکاتبات هایدگر و مارکوزه را نقل و شرح کرده است. در ص ۱۶۶ منبعی که در زیر خواهد آمد هوگو آت به نقل از مقاله‌ای به قلم مارکوزه تحت عنوان «نزاع علیه لیبرالیسم در دولت تمامت‌خواه» حکم هایدگری را در تقابل با گفته‌ای از هگل می‌داند که بر طبق آن هر آنچه زندگی انسانی را ارزش و اعتبار می‌بخشد روحی (geistig) است. آت از ملاقات گرمی میان هایدگر و بولتمان سخن می‌گوید که همه چیز در آن پرنشاط پیش می‌رود تا این‌که بولتمان هایدگر را به برگشت از خطای سیاسی فرا می‌خواند. «چهره هایدگر چون نقابی از سنگ گشت. او مجلس را بی‌هیچ سخنی ترک کرد. من بر آنم که باید به دنبال توضیحی روان‌شناختی باشیم» (ص ۱۶۸). به نظر می‌رسد که زبان تند و محکوم‌کننده آت در این توضیح روان‌شناختی گهگاه از مطالبی واهی سر درمی‌آورد. به عنوان مثال، ربط دادن مفاهیمی چون «نورگاه» (Lichtung) و گشودگی خودکشاینده هستی و آنچه هایدگر در باره شر – فروبستگی کلیتی همچون ساحت تجربه – می‌گوید و جوش دادن مطالب هایدگر در باره das Heilige (امر قدسی) با Heil Hitler (ص ۱۶۷) هیچ پایه و اساسی جز بند و بست‌های دلخواه ندارد. بنگرید به

Hugo Ott, *Martin Heidegger: A Political Life*, trans Allan Blunden (London: Harper Collins Publishers, 1993), pp. 192, 166, 168, 376.

پژوهشگران، مکاتبات هایدگر با یاسپرس، آرت، مارکوزه، ارهارت کِستِرن و الیزابت بلوخمان را زیر و رو کرده‌اند. تا آن‌جا که من می‌دانم، صریح‌ترین نامه به مارکوزه تعلق دارد که صریح‌ترین پاسخ نیز به آن داده شده است (Farias, *op. cit.*, pp. 283–5). نقل این نامه‌ها در این مجیزه میسر نیست، لیکن شاید نکات زیر رهگشا تر باشند: هایدگر اقرار می‌کند که اعتراف در ملاء عام باعث نابودی خود و خانواده‌اش می‌شود. او می‌نویسد که کارها و آثارش در فاصله سال‌های ۱۹۳۳ و

هایدگر به آن نحوی که مارکوزه و کسان دیگری از او می‌خواهند سکوت خود را نمی‌شکنند. اعلام محکومیت به شیوه ژورنالیستی که بعد از جنگ شایع می‌شود همان چیزی است که هایدگر در برابر آن مقاومت می‌کند و حتی از نشریه اشپیگل می‌خواهد که انتشار تنها مصاحبه مطبوعاتی وی - که بعداً به وصیت هایدگر معروف می‌شود - به بعد از مرگش موکول شود. زندگینامه‌نویسان هایدگر در این باره که او تا چه حد با اکراه و بر اثر پافشاری و حتی التماس برخی از دوستانانش تن به این مصاحبه می‌دهد ماجرا را تفصیل داده‌اند،<sup>۱</sup> لیکن این تفتیش‌های نستوه در سوراخ سمبه‌های زندگی شخصی که در گور خفته است، این رسواسازی مرده که هرچند وقت انتشار

→ ۱۹۳۴ طوری بوده که مانع سقوط دانشجویانش در ورطه نازیسم شود. او می‌نویسد که اقرار کردن در سال ۱۹۴۵ برایش ناممکن است زیرا مریدان نازی مزورانه تظاهر به تحول باطنی کرده‌اند و او هیچ وجه اشتراکی با آن‌ها ندارد. او با اشاره به سخنی از یاسپرس به زیستن با گناه اشاره می‌کند. در منبع زیر از قول الیزابت ایتنر، که دوست دارد مسئله سیاسی هایدگر را «گرفتاری سیاسی» (*politische Verstrickung*) بنامد، این گفته عجیب هایدگر نقل می‌شود که شیطان در قلب او خانه کرده بوده و این‌که آرنت هایدگر را در این باره نادم و مفلوک و محتاج کمک یافته است.

Rüdiger Safranski, *Ein Meister aus Deutschland* (Frankfurt am Main: Fischer Taschenbuch Verlag, 2001), p. 417.

هاینریش پتست در کتاب زیر از اظهار شرمندگی هایدگر در دو نامه به یاسپرس و اعتراف او به حماقت بزرگ در برابر دانشجویی یهودی - پرویی سخن می‌گوید:

Heinrich Wiegen Petzet, *Encounters & Dialogues with Martin Heidegger*, trans. Parvis Emad & Kenneth Maly, (Chicago & London: The University of Chicago Press, 1993), pp. XXXI, 38, 45.

محاکمه‌ها و تفتیش‌ها در باره احوال شخصی هایدگر پس از جنگ، هرگز به اجماع نرسیده‌اند. اظهار ندامت او به نزد دوستان نزدیک و امتناع از سخن گفتن در ملا عام از فقراتی هستند که مسلم‌ترند. نه فقط به این دلیل بل به دلایلی هم که در پیشگفتار آورده‌ایم به ناگزیر به سوی متون هایدگر رانده می‌شویم. با این‌همه، این مکاتبات تأییدی بیرونی بر آن است که مسئله کتاب چه باشد آنچه خوانندش تفکر؟ می‌تواند گریز از شر و خشونت و جنگ باشد، از راهی درست یا غلط. ۱. از جمله:

Safranski, *op.cit.*, pp. 461-5; Farias, *op.cit.*, pp. 297-300; Ott. *op.cit.*, p. 367.

کتاب یا مقاله‌ای جنجالی و پرفروش چراغ آن را روشن نگه می‌دارد و این مستثنا گرداندن یک نام از میان همه نام‌هایی که زمانی حتی دواآتشه‌تر از هایدگر از ناسیونال سوسیالیسم هواداری کرده‌اند، این قضیه را مبرهن‌تر می‌سازد که مسئله سیاسی هایدگر از بن و بنیاد مسئله‌ای است راجع به تفکری که ورود منتقدانه و حتی همدردانه به آن بسی دشوارتر از قطور کردن نامه اعمال و سرکشی در اسناد است.



عنوان اصلی این کتاب *Heidegger & the Political Dystopias* است. واژه *Dystopias* با حروف ریزتر و در زیر عبارت *Heidegger & the Political Dystopias* آمده است. این ایهام به ذهن می‌آید که واژه *Political* می‌تواند هم صفت *Dystopias* و هم اسمی مستقل به معنای «امر سیاسی» باشد. لیکن معلوم است که به اقتضای عنوان مجموعه کتاب‌هایی که کتاب حاضر یکی از آن‌هاست *the Political* به معنای «امر سیاسی» یا، مسامحتاً، «سیاست» است. در تحقیقات دیگر نیز غالباً به این کتاب با عنوان *Heidegger & The Political Dystopias* یا «هایدگر و امر سیاسی» ارجاع داده‌اند. افزودن واژه *Dystopias* چندان برای بیستگی مقاومت‌ناپذیر بوده است که یکدستی انگاره مجموعه را به هم بزند. *dystopia* از نگاه نویسنده دقیقاً به معنای بدمکان، یا جای نابجا یا شاید بتوان گفت «خراب‌آباد»، دژسار یا مکان‌پریشی است. نویسنده این واژه را در زمینه موضوع شناسی (توپولوژی) امر سیاسی برمی‌رسد. به باور او، سیاست، که از امور هستومندی یا موجوداندیشانه است، در فلسفه‌ای که تاریخ متافیزیک غرب را تاریخ فراموشی هستی می‌داند تنها می‌تواند در جایی نابجا واقع شود. او همچنین به طرزی عالمانه و موجز و در عین حال دقیق دو دوره فکری هایدگر و برخی از مضامین کلیدی این تفکر از جمله تأکید بر پولیس یونانی، تفسیر اشعار هولدرلین، مفهوم نیست‌انگاری،

تکنولوژی و طرح‌های فیلسوفان مدرن برای مؤسسات آموزشی را مرور می‌کند. این اثر در شمار مجموعه کتاب‌هایی است که دبیران آن کیث آنسل پیرسون از دانشگاه آرویک<sup>۱</sup> و سایمون کریچلی از دانشگاه اسکس<sup>۲</sup> هستند؛ کتاب‌هایی چون فوکو و امر سیاسی، دریدا و امر سیاسی و نیچه و امر سیاسی. ناشران مجموعه هدف اصلی خود را بررسی مباحث سیاسی‌ای اعلام کرده‌اند که متفکران قاره‌ای زمان ما و تفکرشان را برانگیخته است.

تجدید چاپ کتاب هایدگر و امر سیاسی (با عنوان چاپ اول: هایدگر و سیاست) فرصتی برای ویرایش ترجمه متنی حاصل آورد که هفت سال پیش به دست مترجم برگردانده شده بود. تغییرات این ویراست هم شامل معادل‌گزینی‌های جدید برای برخی از مفردات می‌شود و هم شامل تغییراتی نسبتاً زیاد در ترکیب‌ها، جملات و نقل قول‌ها. برخی از پانویس‌ها حذف شد، برخی دیگر اصلاح و جرح و تعدیل شد و برخی نیز که از نگاه مترجم بی‌اشکال می‌نمود دست‌ناخورده ماند. ویراست حاضر حاصل مقابله دوباره ترجمه قبلی با متن اصلی است. با این‌همه، ای بسا باز هم اشکالاتی در ترجمه باشد که از چشم مترجم پنهان مانده و از دست وی در رفته است. نقد دیگران می‌تواند او را متوجه چنین اشکالاتی کند. از همین رو، مترجم پیشاپیش از همه کسانی که با تذکر ایرادها به او یاری رسانند تشکر می‌کند. این نیز ناگفته نماند که چاپ مجدد کتابی با ویرایشی در این حد در حکم چاپ کتابی تازه است و کسی که بی‌چشمداشت مادی و از سر اشتیاق معنوی به عرضه کاری بهتر زحمت چنین کاری را فروتنانه و با حسن نظر بر عهده گرفته آقای امیر حسین زادگان، مدیر نشر ققنوس، است که از این بابت سپاسگزار ایشان هستم.



## سپاسگزاری

بر خود فرض می‌دانم از بسیاری افراد قدردانی کنم که به انحاء گوناگون در طول سال‌ها مشوق و مددکار من در نوشتن این کتاب بوده‌اند. مایلم تشکر کنم از سایمون کریچلی<sup>۱</sup> و کیث آنسل پیرسون<sup>۲</sup> بابت این‌که از من خواستند این کتاب را بنویسم، از جان سالیس،<sup>۳</sup> تامس شیئن،<sup>۴</sup> رابرت برناسکونی،<sup>۵</sup> فرانسواز دستور،<sup>۶</sup> میشل هار،<sup>۷</sup> اندرو بنجامین<sup>۸</sup> و کریستین باترزی<sup>۹</sup> بابت حمایت بی‌دریغشان؛ و از جان پروتوی،<sup>۱۰</sup> پیتر پولنر<sup>۱۱</sup> و پیتر آزبورن<sup>۱۲</sup> بابت توصیه‌های عالمانه و نقادانه‌شان. اما بیش از همه میل دارم عمیق‌ترین سپاس خود را نثار سایمون شپارکس<sup>۱۳</sup> کنم به خاطر تبحر به غایت ارزشمند وی در ویراستاری و ترجمه، به خاطر بینش‌ها و خلاقیت‌های فلسفی و نیز سخاوت بی‌حد و اندازه‌اش.

---

1. Simon Critchley

4. Thomas Sheehan

7. Michel Haar

10. John Protevi

13. Simon Sparks

2. Keith Ansell Pearson

5. Robert Bernasconi

8. Andrew Benjamin

11. Peter Poellner

3. John Sallis

6. Francoise Dastur

9. Christine Battersby

12. Peter Osborne



## فهرست کوتاه‌نوشت‌ها

برای سهولت در مراجعه، منابع نویسنده را در پانویشت آورده‌ایم. این منابع بر دو نوعند: یا جزو مجموعه آثار هایدگر با علامت GA هستند که انتشارات Vittorio Klostermann آن را منتشر کرده یا منابع خارج از این مجموعه‌اند اعم از آثار هایدگر و دیگران. ارجاع به هستی و زمان معمولاً با دو شماره دنبال شده است. اولی صفحه متن آلمانی و دومی صفحه ترجمه انگلیسی مک‌کواری و رابینسون است. ارجاع به نیچه اثر معروف هایدگر با علائم N I و N II انجام شده است. اولی ارجاع به جلد اول و دومی ارجاع به جلد دوم است. بجز هستی و زمان ارجاع نویسنده به آثار دیگر هایدگر ارجاع به ترجمه انگلیسی آن‌هاست. در برخی موارد مترجم خود منبع کامل متن آلمانی را در پانویشت آورده است. ارجاع به خطابه یا نطق ریاست دانشگاهی را ذیل نقل قول آورده‌ایم بدون ذکر صفحه. این خطابه در حد مقاله‌ای کوتاه است. علامت آن در فهرست زیر SDU است و ترجمه فارسی عنوان آن «خوداثباتی دانشگاه‌های آلمانی» (مترجم).

### مجموعه آثار

GA 1 *Frühe Schriften*, ed. Friedrich-Wilhelm von Herrmann (1978).

GA 2 *Sein und Zeit*, ed. Friedrich-Wilhelm von Herrmann (1977).

**GA 29/30** *Die Grundbegriffe der Metaphysik: Welt-Endlichkeit-Einsamkeit* (Winter Semester, 1929/30), ed. Friedrich-Wilhelm von Herrmann (1983).

**GA 34** *Vom Wesen der Menschlichen Freiheit* (Winter Semester, 1931/2), ed. Herrmann Mörchen (1988).

**GA 39** *Hölderlins Hymnen "Germanien" und "Der Rhein"* (Winter Semester, 1934/5), ed. Suzanne Ziegler (1980).

**GA 43** *Nietzsche: der Wille zur Macht als Kunst* (Winter Semester, 1936/7), ed. Bernd Heimbüchel.

**GA 45** *Grundfragen der Philosophie: Ausgewählte "Probleme" der "Logik"* (Winter Semester, 1937/8), ed. Friedrich-Wilhelm von Herrmann.

**GA 48** *Nietzsche: Der europäische Nihilismus* (Second Freiburg Trimester, 1940), ed. Petra Jaeger (1986).

**GA 50** (1) *Nietzsches Metaphysik*; (2) *Einleitung in die Philosophie. Denken und Dichten* (Winter Semester, 1941/2, announced, but not held), ed. Petra Jaeger (1990).

**GA 51** *Grundbegriffe* (Summer Semester, 1941), ed. Petra Jaeger (1981). *Basic Concepts*, trans. Gary E. Aylesworth. Bloomington: Indiana University Press, 1993.

**GA 52** *Hölderlins Hymne "Andenken"* (Winter Semester, 1941/2), ed. Curt Ochwadt (1982).

**GA 53** *Hölderlins Hymne "Der Ister"* (Summer Semester, 1942), ed. Walter Biemel (1984).

**GA 54** *Parmenides* (Winter Semester, 1942/3), ed. Manfred S. Frings (1982).

*Parmenides*, trans. André Schuwer and Richard Rojcewicz. Bloomington: Indiana University Press, 1992.

**GA 55** *Heraklit*. (1) *Der Anfang des abendländischen Denkens (Heraklit)* (Summer Semester, 1943); (2) *Logik. Heraklits Lehre vom Logos* (Summer Semester, 1944), ed. Manfred S. Frings (1979).

**GA 56/57** *Zur Bestimmung der Philosophie* (1) *Die Idee der Philosophie und das Weltanschauungsproblem* (War Emergency Semester, 1919); (2) *Phänomenologie und transzendente Wertphilosophie* (Summer Semester, 1919), ed. Bernd Heimbüchel (1987).

**GA 61** *Phänomenologische Interpretationen zu Aristoteles. Einführung in die Phänomenologische Forschung* (Winter Semester, 1921/2), ed. Walter Bröcker and Kate Bröcker-Oltmanns (1985).

**GA 63** *Ontologie. Hermeneutik der Faktizität* (Summer Semester, 1923), ed. Kate Bröcker-Oltmanns (1988).

**GA 65** *Beiträge zur Philosophie (Vom Ereignis)*, ed. Friedrich-Wilhelm von Herrmann (1989).

## سایر آثار

**DR** *Das Rektorat 1933/34, Tatsachen und Gedanken*, ed. Hermann Heidegger, Frankfurt am Main: Vittorio Klostermann, 1983.

“The Rectorate 1933/34: Facts and Thoughts,” trans. Karsten Harries, in *Martin Heidegger and National Socialism, Questions and Answers*, ed. Günther Neske and Emil Kettering, New York: Paragon House, 1990.

**EHD** *Erläuterungen zu Hölderlins Dichtung*, 5th edn, Frankfurt am Main: Vittorio Klostermann, 1981.

pp. 9–30: “Remembrance of the Poet,” trans. Douglas Scott, in *Existence and Being*, ed. Werner Brock, Chicago: Henry Regnery Co., 1949.

pp. 31–45: “Hölderlin and the Essence of Poetry,” trans. Douglas Scott, in *Existence and Being*.

**EM** *Einführung in die Metaphysik*, Tübingen: Max Niemeyer Verlag, 1953.

*An Introduction to Metaphysics*, trans. Ralph Manheim, New Haven: Yale University Press, 1959.

**G** *Gelassenheit*, 10th edn. Pfullingen: Günther Neske, 1992.

*Discourse on Thinking*, trans. John M. Anderson and E. Hans Freund, New York: Harper & Row, 1966.

**Hw Holzwege**, 5th edn, Frankfurt am Main: Vittorio Klostermann, 1972.  
pp. 7\_68: "The Origin of the Work of Art," in *Poetry, Language, Thought*, trans. Albert Hofstadter, New York: Harper & Row, 1971.

pp. 248\_95: "What are Poets For?" in *Poetry, Language, Thought*.

**N I Nietzsche**, Volume One. 2nd edn. Pfullingen: Günther Neske, 1961.

pp. 1\_220: *Nietzsche*, Vol. I, *The Will to Power as Art*, trans. David Farrell Krell, San Francisco: HarperCollins, 1991.

pp. 1\_233: *Nietzsche*, Vol. II, *The Eternal Recurrence of the Same*, trans. David Farrell Krell, San Francisco: HarperCollins, 1991.

pp. 1\_158: *Nietzsche*, Vol. III, *The Will to Power as Knowledge and as Metaphysics*, "The Will to Power as Knowledge," trans. Joan Stambaugh, David Farrell Krell and Frank A. Capuzzi, San Francisco: HarperCollins, 1991.

**N II Nietzsche**, Volume Two. 2nd edn. Pfullingen: Günther Neske, 1961.

pp. 159\_83: *Nietzsche*, Vol. III, *The Will to Power as Knowledge and as Metaphysics*, "The Eternal Recurrence of the Same and the Will to Power."

pp. 1\_196: *Nietzsche*, Vol. IV, *Nihilism*, "European Nihilism", trans. Frank Capuzzi, ed. David Farrel Krell. San Francisco: HarperCollins, 1991.

pp. 185\_250: *Nietzsche*, Vol. III. *The Will to Power as Knowledge and as Metaphysics*, "Nietzsche's Metaphysics."

pp. 197\_250: *Nietzsche*, Vol. IV, *Nihilism*, "Nihilism as Determined by the History of Being."

**SA Schellings *Abhandlung über das Wesen der Menschlichen Freiheit* (1809)**, Tübingen: Max Niemeyer, 1971.

**SDU *Die Selbstbehauptung der deutschen Universität***, ed. Hermann Heidegger, Frankfurt am Main: Vittorio Klostermann, 1983.

"The Self-assertion of the German University," trans. William S. Lewis, in *The Heidegger Controversy*, ed. Richard Wolin. Cambridge: The MIT Press, 1993.

**Sp** "Nur noch ein Gott kann uns retten." *Spiegel*-Gespräch mit Martin Heidegger am 23 September, 1966. *Der Spiegel*, 26, 31 May 1976, pp. 193\_219.

“Only a God Can Save Us: *Der Spiegel's* Interview With Martin Heidegger,” trans. Maria P. Alter and John D. Caputo, in *the Heidegger Controversy*.

**SZ** *Sein und Zeit*, 16th edn. Tübingen: Max Niemeyer, 1986.

*Being and Time*, trans. John Macquarrie and Edward Robinson, New York: Harper & Row, 1962.

**TK** *Die Technik und die Kehre*, Pfullingen: Günther Neske, 1962.

pp. 1–36: “The Question Concerning Technology,” trans. William Lovitt, in *Martin Heidegger: Basic Writings*, ed. David Farrell Krell, New York: Harper & Row, 1977.

pp. 37–47: “The Turning,” in *The Question Concerning Technology*, trans. William Lovitt, New York: Harper & Row, 1977.

**US** *Unterwegs zur Sprache*. 3rd edn. Pfullingen: Günther Neske, 1965.

pp. 9–33: “Language,” in *Poetry, Language, Thought*.

pp. 35–end: *On the Way to Language*, trans. Peter D. Hertz, New York: Harper & Row, 1971.

**VA** *Vorträge und Aufsätze*, 2nd edn. Pfullingen: Günther Neske, 1967.

pp. 13–44: “The Question Concerning Technology,” trans. William Lovitt, in *Basic Writings*.

pp. 71–99: “Overcoming Metaphysics,” trans. Joan Stambaugh, in *The Heidegger Controversy*.

pp. 187–204: “... Poetically Man Dwells ...,” in *Poetry, Language, Thought*.

**WHD** *Was Heisst Denken?* Tübingen: Max Niemeyer, 1954.

*What is Called Thinking?* trans. Fred D. Wieck and J. Glenn Gray, New York: Harper & Row, 1972.

**Wm** *Wegmarken*. 2nd edn., revised and expanded, Frankfurt am Main: Vittorio Klostermann, 1967.

pp. 1–44: “Anmerkungen zu Karl Jaspers ‘Psychologie der Weltanschauung (1919/21).’”

pp. 73–98: “On the Essence of Truth,” trans. John Sallis, in *Basic Writings*.

pp. 103–21: “What is Metaphysics?” trans. David Farrell Krell, in *Basic Writings*.

pp. 145–94: “Letter on Humanism,” trans. Frank A. Capuzzi, with J. Glenn Gray and David Farrell Krell, in *Basic Writings*.

pp. 213–53: *The Question of Being*, trans. Jean T. Wilde and William Kluback, New Haven: College and University Press, 1958.



## پیشگفتار نویسنده

شاید روزی فرا برسد که فیلسوفان دیگر نیازی به نوشتن در باب سیاست هایدگر احساس نکنند. روزی فرا خواهد رسید که در این باره دیگر هیچ ناگفته و هیچ ناکرده‌ای نمانده باشد، روزی که دیگر هیچ جنبهٔ تکینه‌ای از زندگی فیلسوف و هیچ جزء منفردی از آثار وی از نگاه مفتشانه و موشکافانه آن دکترهایی که یک چشمشان ناظر هایدگر نازی است پنهان نمانده است. عصر رابطه‌ای آزادتر و پربارتر با میراث هایدگری سرانجام پیدا خواهد آمد. عجالتاً همه چیز در این باره چنان حادث می‌شود که پنداری هجوم سیل آسای تک‌نگاری‌هایی که هم آن‌ها فهم (بیش یا کم خالصانه) رابطهٔ هایدگر با نازیسم و سیاست است بنا نیست تمامی داشته باشد. با توجه به مقبولیت کلی این مبحث در آکادمی‌ها، چه بسا از خود بپرسیم که برای تضمین دستیافت به معبد نیکنامی و احترام آکادمیک آیا راهی وجود دارد که بهتر از نوشتن کتابی باشد که روی جلد آن کلمات «هایدگر» و «سیاست» باشد. این تورم مسلماً تا حد زیادی ناشی از این واقعیت است که اکثر مفسران تا مدت‌های مدید و تحت نفوذ «هایدگری‌ها» در این باره به نحوی عیان و چشمگیر خاموش ماندند. همین سکوت به غایت مشکوک بود که ساز مخالفی به همان اندازه مشکوک در پی داشت که امروز ما را احاطه کرده است و خوانندهٔ متوسط در کشاکش آن خود را پاک سرگردان و حیران می‌بیند به طوری که اگر هم

نخواهد *Gesamtausgabe*<sup>۱</sup> را در برابر قربانگاه وجدان نیک غربی قربانی کند، می‌خواهد به یکباره از مفروضات هایدگری فرار کند.

پس از برای چه باز هم کتابی دیگر در باب رابطه هایدگر با ناسیونال سوسیالیسم می‌نویسیم؟

آیا از برای این‌که باز هم سنگی دیگر بر جسد وی پرتاب کنیم یا راهی دیگر باشد برای مطمئن شدن از این‌که جسد برای همیشه مدفون خواهد ماند؟ یا از برای زنده نگه داشتن یادبود او، یا آوردن سنگی دیگر و حک سنگ‌نشته‌ای دیگر بر مزار وی؟ یا موضوع ثالثی در کار است؟ موضوع زنده نگه داشتن تفکر صرفاً با خوانش هایدگر؟ و این خوانش از چه روست اگر نه از آن رو باشد که متن هایدگر به تفکر فرا می‌خواند و تفکر برمی‌انگیزد و درخواه و خواهنده تفکر است؟ بنابراین، به نحوی آری، موضوع نجات هایدگر، نجات متون هایدگر در کار است. موضوع آن است که نگذاریم دفتر تفکر خاموش و بی‌صدا بسته شود. اما نجات از چه؟ نجات از معادله ساده‌ای که خواهی نخواهی کم‌کم دارد پذیرفته می‌شود، معادله‌ای چندان ساده و چندان راحت که کمابیش مقاومت ناپذیر شده است: هایدگر نازی بود، هایدگر از اول تا به آخر نازی بود. در این جا قضیه آن است که در مقابل گزاره مربوط به این معادله گزاره متقابلی [یا پادگزاره‌ای] در میان نیست. برگردان تجدیدنظرطلبانه گزاره نخست چنین است: هایدگر نازی نبود، او هیچ وقت نازی نبود. این گزاره نیز ناممکن است: شواهد بسی سنگین و چشمگیر، بسی سبعمانه است.

---

۱. مجموعه آثار هایدگر که تا به امروز به ۱۰۲ جلد رسیده و شامل آثار منتشر شده و منتشر نشده در زمان حیات نویسنده می‌شود مشتمل بر آثار مکتوب، سخنرانی‌ها، درسگفتارها، یادداشت‌ها، مکاتبات، پیش‌نویس‌های سمینارها و سخنرانی‌ها و غیره است. میراث مکتوب هایدگر سایه غول‌آسایی بر سر کمابیش تمامی اندیشه فلسفی معاصر است که با نیروی فکری آن جز با نیروی فکری نمی‌توان از در مقابله وارد شد. به بیانی دیگر، ماترک نویسنده قبل از آن‌که ما نویسنده را طرد کنیم خود نویسنده را کنار می‌گذارد. جهان فلسفه اکنون و در این مورد دیگر با شخص و زندگی‌نامه مواجه نیست. مجموعه آثار تفکری مکتوب است که بر این جهان ادعا دارد. - م.

شواهد کوبنده و ویرانگر است. ارتباط هایدگر [باناسیونال - سوسیالیسم] دست‌کم به مدت چند ماه فی‌الجمله و نامشروط بود.

با توجه به مطالب فزون از حدی که در باره سیاست هایدگر منتشر شده‌اند، احتمالاً این پرسش برای خواننده مطرح است که کتاب حاضر چه تفاوتی با کتاب‌های دیگری که در باب این مسئله نوشته شده‌اند دارد و اگر این کتاب متضمن بینشی اصیل است، چیست این بینش. پاسخ پرسش دوم تنها با خواندن تحلیل‌های خود کتاب گویا می‌شود. اما پاسخ پرسش نخست رویکرد ویژه‌ای است که در این کتاب ممتاز است و من کوشیده‌ام در درآمد کتاب آن را خلاصه کنم. در سال ۱۹۸۸ وقتی به عنوان دانشجوی دوره دکتری دست به کار تحقیقی با هدف بازیافت بُعد و مضامین سیاسی تفکر هایدگر شدم، هنوز وقوف چندانی به این امر نداشتم که این موضوع تا چه حد در مباحث آکادمیک نقشی مرکزی پیدا خواهد کرد. این ماجرا هم‌هنگام بود با نخستین پس‌لرزه‌های «l'affaire Heidegger» [قضیه هایدگر] (که در آن زمان منحصر به صحنه روشنفکری فرانسه بود، کتاب *Heidegger et le Nazisme*<sup>۱</sup> [هایدگر و نازیسم] اثر

---

1. Victor Farias, *Heidegger et le Nazisme*, translated from the Spanish and German by Myriam Benarroch and Jean-Baptiste Grasset, with a preface by Christian Jambet (Lagrasse: Verdier, 1987).

نشانی چاپ آلمانی، که طولانی‌تر و بازبینی شده است، چنین است:

*Heidegger und der Nationalsozialismus*, translated from the Spanish and French by Klaus Laermann (Frankfurt: Fischer, 1989).

یورگن هابرماس بر ترجمه فوق پیشگفتار مهمی نوشته است با این عنوان: «هایدگر: کار و جهان‌بینی». و اما نشانی ترجمه انگلیسی کتاب فاریاس:

*Heidegger and Nazism*, edited with a foreword by Joseph Margolis and Tom Rockmore, translated from the French and the German editions (Philadelphia: Temple University Press, 1989).

متأسفانه در این ترجمه اصلاحات بعدی فاریاس ملحوظ نشده است. لیکن در عین این اصلاحات

ویکتور فاریاس تنها در فرانسه برای انتشار پذیرفته شده بود). در آن زمان متقاعد شده بودم - و اکنون نیز بر همین باورم - که پاسخ درست به این مسئله فتنه سازی و انگیختن رسوایی نیست، بل پاسخی است فلسفی. به این اعتبار، کار آن دسته از خوانندگان متون هایدگری که همواره به بُعد سیاسی به غایت پیچیده هایدگر توجه کرده بودند بیش از کار آنانی که بنا به دلایلی - دلایلی که ممکن است تغییر کنند - خواسته بودند هایدگر را تحت مقوله متفکر نازی قرار دهند الهامبخش پژوهش من بود.<sup>۱</sup> آیا تساین نومیدکننده میان طبیعت

→ کتاب فاریاس به شدت مناقشه‌انگیز است. از میان جوابیه‌ها و مرورهای (reviews) بسیار در باب کتاب فاریاس مایلم به‌ویژه به موارد زیر اشاره کنم:

Philippe Lacoue-Labarthe at the end of *La fiction du politique* (Paris: Christian Bourgois, 1987), pp. 175-88.

و نیز نوشته‌های Pierre Aubenque و Gérard Granel و Michel Deguy در:

*Le débat*, 48, January-February 1988.

نیز نوشته تامس شینن (Thomas Sheehan) در:

*The New York Review of Books*, June 16, 1988, pp. 38-47.

۱. آثار زیر از جمله آثاری هستند که من آن‌ها را ذیل مقوله نخست می‌آورم:

Reiner Shürmann, *Les Principes de l'anarchie: Heidegger et la question de l'agir* (Paris: Seuil, 1982).

Christine-Marie Gros با همکاری نویسنده این اثر را ترجمه کرده است:

*Heidegger on Being and Acting: From Principles to Anarchy* (Bloomington: Indian University Press, 1987).

آثار دیگر:

Philippe Lacoue-Labarthe, «La Transcendence finie/t dans la politique» (1981) and «Poétique et politique» (1984) in *L'Imitation des modernes* (Typographies II) (Paris: Galilée, 1986); *La Fiction du politique*, op. cit.

ضرورت مطلقاً جدی گرفتن قصور سیاسی خود هایدگر امری است که آن را مدیون لاکو - لابارت هستم. همچنین، او بود که تقریباً ناخواسته در پرده برداشتن از محدودیت‌های قرائت صرفاً درونماندگار سیاست هایدگر دلیل راه من شد. اثر لاکو - لابارت به نحوی از انحا در پس هر یک از فصل‌های این کتاب است.

فلسفی برخی از آثاری که اصلاً در فرانسه و آلمان پدید آمده‌اند و اکثر جوابیه‌های انگلیسی - آمریکایی در بارهٔ رابطهٔ هایدگر و سیاست که خود را از بعد پرسشگرانهٔ تفکر خود هایدگر در امان نگه داشته‌اند امری تصادفی است؟<sup>۱</sup>

مباحثات و مطارحاتِ نهفته در پس دریافت سلیقه‌ورزانه از قضیهٔ هایدگر در ایالات متحدهٔ آمریکا خود مطالعه‌ای مفصل می‌طلبد که من نه به آن تمایلی دارم و نه در این جا قادر به آن هستم. همین قدر توانم گفت که از خیل اسباب و شرایط بسیار یکی هم آن است که این دریافت و سبباً و عمدتاً بر جایگاه دانشگاه در حیات فکری آمریکایی، بر جایگاه فلسفهٔ معروف به فلسفهٔ قاره‌ای به عنوان رشته‌ای در مقیاس کلی، بر وضعیت سیاسی ایالات متحدهٔ آمریکا (و نقش اخلاقی و غالباً مذهبی فوق‌العاده تعیین‌کنندهٔ آن) و بر رابطهٔ این کشور با تاریخ قرن بیستم مبتنی است. فرجام این وضعیت آن است که آنچه در ایالات متحده از «رسوایی» هایدگر دریافت می‌شود در غالب

---

→ آثار دیگر:

Jacques Derrida, *De L'esprit, Heidegger et la question* (Paris: Galilée, 1987).

Dominique Janicaud, *L'Ombre de cette pensée - Heidegger et la question politique* (Grenoble: Jérôme Millon, 1990).

Annemarie Gethmann-Siefert and Otto Pöggeler, eds. *Heidegger und die praktische Philosophie* (Frankfurt: Suhrkamp, 1989).

۱. لیکن در این زمینه استثنای قابل توجهی نیز وجود دارند. برای نمونه، بنگرید به

*The Graduate Faculty Philosophy Journal* (New School for Social Research), vol. 14 no. 2 and vol. 15, no. 1, edited by Marcus Brainard et al., published as a double volume in 1991).

David Farrel Krell, *Daimon Life* (Bloomington: Indiana University Press, 1992), particularly chapters 4-6.

Michael E. Zimmerman, *Heidegger's Confrontation with Modernity: Technology, Politics and Art* (Bloomington: Indiana University Press, 1990).

Fred Dallmayr, *The Other Heidegger* (Ithaca: Cornell University Press, 1993).

موارد بیش از آن‌که کاشف از تفکر هایدگر باشد وضعیت این کشور و روشنفکرانش را آشکاره می‌کند. درست به همین دلیل در نهایت فرآورده‌های فزون از حدی که در این باره همچنان از ایالات متحده زاده می‌شوند در شرح و تفسیر من در کتاب حاضر تنها تأثیری محدود و ناچیز داشته‌اند.

بنابراین، نخستین عاملی که مرا متقاعد ساخت این طرح و تحقیق را به عهده گیرم ناخرسندی شخصی‌ام از نوشته‌ها[ی راجع به هایدگر] در آمریکای شمالی بود. باید به این تأثیر صرفاً شخصی این عامل نیز افزوده شود که این کتاب به مدد سخاوت ناشران آن در مجموعه‌ای منتشر می‌شود که مختص فلسفه سیاسی است: این می‌رساند که تفکر هایدگر صرف‌نظر از مسئله‌انگیزی آن و حتی شاید به علت همین مسئله‌انگیزی در خور آن هست که جایی در مجموعه‌ای داشته باشد که هم و کوشش آن تفکر و در باره سرنوشت امر سیاسی در قرن بیستم و مسئله‌انگیز کردن آن است. مجموعه‌ای که این کتاب تنها یکی از مراحل آن است باید نشان دهد که تفکر و متون خودِ هایدگر را باید به غایت جدی گرفت. و بالاخره، این کتاب در نوع خود نخستین کتابی است که بناست در بریتانیا منتشر شود، و این یعنی در سرزمینی که، اگر از عقیده رایج در آن در باره متفکرانی که زمانی دست خود را در حمایت از حزب نازی رو کرده‌اند چیزی نگوییم، خصومت آن نسبت به فلسفه اروپای قاره‌ای غالباً زبانزد است. البته در نوع خود اول بودن این کتاب الزاماً به معنای خوب بودن آن نیست، بل صرفاً عذر تقصیری است برای امری به تأخیر افتاده.